



درس تفسیر سوره مبارکه فصلت - جلسه ۵

حضرت آیت الله العظمی جوادى آملى دامت برکاته

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿قُلْ أَإِنكُم لَتَكْفُرُونَ بِالَّذى خَلَقَ الْأَرْضَ فى یَوْمَئِینِ وَ تَجْعَلُونَ لَهُ أُنْدَاداً ذَٰلِكَ رَبُّ الْعَالَمِینَ (۹) وَ جَعَلَ فِیْهَا رَواسِیَ مِنْ فَوْقِهَا وَ بَارَكَ فِیْهَا وَ قَدَّرَ فِیْهَا أَقْوَاتَهَا فى أَرْبَعَةِ أَیَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِینَ (۱۰) ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَ هِیَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِیا طَوْعاً أَوْ كَرْهاً قَالَتَا أَتِینَا أَتِینَا طَائِعِینَ (۱۱) فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَواتٍ فى یَوْمَئِینِ وَ أَوْحَىٰ فى كُلِّ سَماءٍ أَمْرَهَا وَ زینَّا السَّمَاءَ الدُّنْیا بِمَصابِیحَ وَ حِفْظاً ذَٰلِكَ تَقْدِیرُ الْعَزِیزِ الْعَلِیمِ (۱۲) فَاِنَّ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَئِذْرَئُکُمْ صَاعِقَةٌ مِثْلَ صَاعِقَةِ عادٍ وَ ثَمُودَ (۱۳)﴾

دعوت قرآن از دانشمندان بر حل مسئله خلقت نظام سپهری

سوره مبارکه «فصلت» از آن جهت که در مکه نازل شد و عناصر محوری سور مکی، اصول دین و خطوط جامع اخلاق و فقه و حقوق است و مهم ترین مسئله مکه مسئله توحید بود که اثبات وحدت خدای سبحان، وحدت «رب العالمین» و وحدت ﴿رَبُّ كُلِّ شَیْءٍ﴾ است؛ لذا آیات گوناگونی در این زمینه ارائه شده است. قرآن کریم صورت مسئله ای را مطرح کرد، بعد همه دانشمندان را فراخوان نمود که در این مسئله نظر بدهید و آن را حل کنید که آن مسئله، پیدایش نظام سپهری است؛ فرمود چه کسی این کار را کرده؟ فرض کنید که یک آبى است، خیلئ سالها باید بحث کرد که آن آب چیست؟ آبى است اولاً؛ تخت فرمانروایى است که روى این آب است، ثانیاً که

فرمود: ﴿وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ﴾<sup>۱</sup> فرمود قبل از هر چیزی خدا آب را خلق کرد، آن کدام آب است؟ آسمانی نبود، زمینی نبود، ابری نبود، بادی نبود ﴿وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ﴾<sup>۲</sup> قبل از هر چیزی آب را آفرید و تخت فرمانروایی را بر آب مستقر کرد که این تخت از چوب و فلز و امثال آن نیست، برای اینکه آن وقتی که این «عرش» ساخته شد آسمانی نبود، زمینی نبود، جرمی نبود. قرآن کریم می‌فرماید اینها را چه کسی کار کرد؟ بررسی کنید و ببینید که صاحب این کار و صنعت کیست؟ پس آبی را اول خلق کرد و تخت فرمانروایی را ﴿وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ﴾ بر این آب گذاشت، این آب از آب‌های دریا و چشمه و چاه و باران و امثال آن نیست، زیرا آن روز نه زمینی بود، نه آسمان و نه ابری و نه بادی و این تخت هم از سنخ فلز و چوب نیست، زیرا آن روز و مرحله نه آسمان بود و نه زمین. بر این تخت فرمانروایی، ذات اقدس الهی در فصل سوم - نه فصل اول و دوم که منطقه‌های ممنوعه هستند مقام ذات، نه! صفات ذات که عین ذات است و احدی به آن جا دسترسی ندارد، نه! - مقام فرمانروایی، تدبیر، خالقیت، ربوبیت، افاضه که همه اینها فعل خداست که از آنها تعبیر می‌شود ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾<sup>۳</sup> این فیض خدا بر این «عرش» مستقر شده است، ﴿إِسْتَوَى﴾ یعنی «إِسْتَوَلَى»، این مرحله سوم بود.

مقام تدبیر الهی که بر «عرش» مستولی شد و «عرش» هم ﴿عَلَى الْمَاءِ﴾ است، بسته‌ای را خلق کرد که هنوز نام ندارد که آن بسته را می‌گویند «رَتْق» نظام سپهری است که در سوره «انبیاء» فرمود: ﴿أَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا﴾<sup>۴</sup> یعنی این مجموعه بسته‌ای بود به نام آسمان‌ها و زمین که اگر این چیز بسته را باز کنیم آسمان و زمین می‌شود، این «رَتْق» را اول خدا آفرید، این «مرتوق» را؛ یعنی این بسته را و بعد فرمود ما این بسته را باز کردیم ﴿فَفَتَقْنَاهُمَا﴾، وقتی باز کردیم نام يك گوشه آن «دُخان» است و آن گوشه دیگر را

۱. سوره هود، آیه ۷.

۲. سوره انبیاء، آیه ۳۰.

۳. سوره نور، آیه ۳۵.

۴. سوره انبیاء، آیه ۳۰.

نام نبرد، فرمود آن گوشه‌ای که فعلاً نامی از آن برده نشد می‌شود زمین، آن گوشه‌ای که از آن نام بردیم به نام «دُخان» است. ما وقتی این بسته را باز کردیم؛ یکی شد بسته زمین، یکی شد بسته آسمان و بسته آسمان هم «دُخان» بود، گاز بود، دود بود و مانند آن، «دُخان»ی نیست که از سوخت و سوز چوب و امثال چوب حاصل شود؛ آن روز چوبی نبود، درختی نبود، موادّ سوخت و سوزی نبود، گازوئیلی نبود، نفتی نبود، گازی نبود، زغال سنگی نبود که دود تولید کنند، يك «دُخان» خاص بود که ما نمی‌دانیم آن «دُخان» چیست و علم موظف است کشف کند، چون قرآن دعوت کرد و فرمود مگر نمی‌بینید! مگر فکر نمی‌کنید! مگر بررسی نمی‌کنید! مگر تأمل نمی‌کنید! مگر تدبّر نمی‌کنید! این دانشگاه‌ها را دعوت کرد به کشف رمز و راز نظام سپهری که بروید به دنبال این و می‌توانید کشف کنید که این دود چه چیزی بود؛ می‌توانید کشف کنید آن دورانی که اینها بسته بودند چند میلیارد سال بود؛ می‌توانید کشف کنید دوران «رُثَق» که به «فَتَق» تبدیل شد چند میلیارد سال بود، چون اگر در دسترسی نبود که نمی‌فرمود بروید فکر کنید، مگر نمی‌بینید! باید رأی دهید، من از شما رأی می‌خواهم، نظر می‌خواهم ببینید چند میلیارد سال طول کشید تا این «رُثَق»، «فَتَق» شود و این بسته باز شود. آن قسمتی که به نام آسمان است و هنوز آسمان نام نگرفته «دُخان» است و ما به این «دُخان» و آن ماده زمین گفتیم که شما که بسته بودید و حالا باز شدید، بیايد حضور من تا درباره شما تصمیم بگیرم: ﴿فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعاً أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ﴾؛ عرض کردند ما تابع هستیم و هر کاری را که شما دستور بدهید، ما به آن صورت در می‌آییم. آن «دُخان» و دود را ﴿فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ﴾؛ هفت آسمان را از آن ساخت و این نظام سپهری از همین «دُخان» ساخته شد، «مصاییح» و «شمس» و «قمر» از يك مشت دود درست شد، نه از جای دیگر! این «دُخان» بود که به صورت «شمس» در آورده شد، این «دُخان» بود که به صورت «قمر» و سایر «کواکب» در آورده شد و همه اینها را فرمود در آسمان اول هستند که

﴿زَيْنَا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزَيْنَةِ الْكَوَكِبِ﴾<sup>۱</sup> همه اینها در آسمان اول هستند؛ شش آسمان فعلاً در دسترس شما نیست، از راه دیگر باید باخبر شوید. آن گوشه‌ای که ما باز کردیم «دُخان» بود که به صورت نظام آسمان‌ها درآمد، آسمان‌ها را که منظم کردیم و برای هر کدام مسئولی به نام فرشته خلق کردیم که ﴿كَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ﴾<sup>۲</sup> فرشته‌های فراوانی خلق کردیم، تدبیر و اداره امور هر آسمانی را به فرشته‌های آن آسمان دادیم ﴿وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا﴾ که فرمود بروید به دنبال این و اینها را کشف کنید! مگر نمی‌بینید! چرا در این زمینه رأی نمی‌دهید؟! ﴿أَوَلَمْ يَرَوْا﴾<sup>۳</sup> یعنی همین! ﴿أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا﴾<sup>۴</sup> یعنی همین! یعنی اگر شما در این زمینه کار کنید نتیجه می‌دهد و دسترسی ممکن است.

### دعوت قرآن به فهمیدن نحوه خلقت نظام سپهری دال بر امکان آن

اینها جزء عالم شهادت است و جزء اسرار غیب نیست. اسرار غیب برای انبیاست و طرزی ذات اقدس الهی انبیا را از اسرار غیب باخبر می‌کند، مثل اینکه کسی که اهل يك شهر است، کوی و برزن آن شهر را کاملاً بلد است و به دیگری آدرس می‌دهد. الان شما که در این شهر مقدس قم زندگی می‌کنید، حرم و اطراف حرم و خیابان‌های شرقی و غربی و شمالی و جنوبی آن را آشنا هستید، يك مسافر و زائری که بیاید شما بخواهید آدرس بدهید کاملاً مسلط هستید و می‌گویید که در قسمت شرق حرم فلان بخش است، در قسمت غرب حرم فلان بخش است، شمال حرم این‌چنین است یا جنوب حرم این‌چنین است، این محیط در کف دست شماست؛ اما ذات اقدس الهی وقتی با انبیا سخن می‌گوید، این اسرار غیب، گذشته‌ها و معدوم‌ها را در کف دست پیغمبر خدا می‌گذارد. در جریان «طور» به وجود مبارك پیغمبر اسلام (علیه و علی آله آلاف التحيّة و الثناء) می‌فرماید: ﴿مَا كُنْتُ بِجَانِبِ الطُّورِ﴾<sup>۵</sup> ولی قصه از

۱. سوره صافات، آیه ۶.

۲. سوره نجم، آیه ۲۶.

۳. سوره رعد، آیه ۴۱.

۴. سوره اعراف، آیه ۱۸۴؛ سوره روم، آیه ۸.

۵. سوره قصص، آیه ۴۶.

این قبیل است! ﴿مَا كُنْتَ بِجَانِبِ الْعَرَبِيِّ﴾؛<sup>۶</sup> ولی قصه از این قبیل است! ﴿مَا كُنْتَ ثَاوِيًّا فِي أَهْلِ مَدْيَنَ﴾؛<sup>۷</sup> ولی قصه از این قبیل است! ﴿مَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُلقُونَ أَفْلامَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ﴾؛<sup>۸</sup> ولی قصه از این قبیل است! تمام کوچه و پس‌کوچه‌های عالم غیب را دارد به پیغمبر خبر می‌دهد که کوچه پس‌کوچه‌های جهان غیب در مُشت پیغمبر قرار می‌گیرد. می‌گوید در کوه «طور» نبودی؛ ولی حرف از این جاست! در وادیِ اَیْمَن نبودی؛ ولی قصه این است! تو در مدین نبودی؛ ولی قصه این است! هنگام تکفلِ مریم نبودی؛ ولی قصه از این قبیل است! کوی و برزن جهان غیب را در دست پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) قرار می‌دهد، این علمی نیست که انسان به حوزه یا دانشگاه برود درس بخواند و یاد بگیرد؛ نه ما را تشویق کردند، نه ما را ترغیب کردند، نه در خودمان آن قدرت را می‌بینیم، نه به ما راه می‌دهند! اینها چیزهایی است که مخصوص انبیا و اولیاست؛ اما فهمیدن نظام سپهری این کار حوزه و دانشگاه است، فرمود مگر نمی‌بینید! مگر بررسی نمی‌کنید! مگر نمی‌بینید خدا يك گاز را به این صورت در آورد! یعنی علم می‌تواند اینها را کشف کند که اینها علوم قرآنی و علوم دینی می‌شوند. اگر بحث کنند که چگونه يك مشتمت گاز به صورت نظام سپهری در می‌آید، علم دینی می‌شود.

### دلالت خطاب الهی به زمین بر تمام نشدن خلقت آن قبل از آسمان

بعد فرمود ما فرشته‌هایی را خلق کردیم ﴿وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا﴾ از اینکه به زمین و آسمانی که يك مشتمت دود بود فرمود بیايید من کارتار دارم، معلوم می‌شود کار زمین هنوز تمام نشده است. این ﴿ثُمَّ﴾ برای تراخی در خبر و گزارش است، نه اینکه کار زمین تمام شده و بعد به آسمان پرداخت، چون اگر کار زمین تمام شده بود، دیگر به زمین و آسمان، به زمین و این «دُخان» دستور نمی‌داد که بیايید من کارتار دارم ﴿إِنِّي آتِيَا﴾، پس معلوم می‌شود که

۶. سوره قصص، آیه ۴۴.

۷. سوره قصص، آیه ۴۵.

۸. سوره آل عمران، آیه ۴۴.

کار زمین و آسمان هم تمام نشده، بلکه کار آسمان تازه شروع شد ﴿فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ﴾ کار زمین هم باید از این به بعد شروع شود که فرمود: ﴿وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا﴾<sup>۹</sup> و در جریان زمین در بخش پایانی سوره مبارکه «طلاق» فرمود: ﴿وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ﴾<sup>۱۰</sup> در قرآن تصریح نشده که زمین درجات و طبقات هفت‌گانه دارد؛ ولی در دعای «فرج» و در ادعیه دیگر هست که خدا «رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ رَبَّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ»<sup>۱۱</sup> است؛ ذیل همان آیه دوازده سوره «طلاق»، وجود مبارك امام رضا (سلام الله علیه) وقتی این جمله را قرائت فرمود: ﴿وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ﴾؛ یعنی «سماوات سبع» را خدا آفرید و آسمان را هفت طبقه خلق کرد و زمین را هم مثل آن، وجود مبارك امام رضا (سلام الله علیه) دستان مبارك خود را بالا بردند و فرمودند: «الدُّنْيَا وَ السَّمَاءُ الدُّنْيَا عَلَيَّهَا فَوْقَهَا قُبَّةٌ...»<sup>۱۲</sup> معلوم می‌شود ما هفت طبقه زمین و هفت طبقه آسمان داریم و اگر در ادعیه هم آمده است «وَرَبَّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ» ناظر به همین بخش است.

اگر کار زمین تمام شده بود، دیگر به زمین و آسمان دوتایی دستور نمی‌داد که بیاپید من کارتان دارم اینها ﴿أَتَيْنَا طَوْعاً أَوْ كَرْهاً﴾، اینها هم ﴿قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ﴾، پس معلوم می‌شود که کار زمین هنوز تمام نشده است. اگر در سوره مبارکه «نازعات» دارد: ﴿وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا﴾ که «دحو الأرض» همان «تسطیح» آن است، «کرویت» است، «تسویه» آن است نه مکعب بودن یا مسطح بودن آن، بلکه کروی است و کلمه «طحا» - «طَحُو» - که فقط يك بار در قرآن کریم استعمال شده است همان معنای «دحو» را می‌رساند ﴿وَالشَّمْسُ وَ ضُحَاهَا \* وَالْقَمَرُ إِذَا

۹. سوره نازعات، آیه ۳۰.

۱۰. سوره طلاق، آیه ۱۲.

۱۱. قرب الإسناد (ط - الحديث)، ص ۶.

۱۲. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۳۲۸ و ۳۲۹: «...هذه أرض الدنيا و السماء الدنيا و الأرض الثانية فوق السماء الدنيا و السماء الثانية فوقها قبة و الأرض الثالثة فوقها قبة و السماء الثالثة فوقها قبة و الأرض الرابعة فوقها قبة و السماء الرابعة فوقها قبة و السماء الخامسة فوقها قبة و الأرض السادسة فوقها قبة و السماء السادسة فوقها قبة و الأرض السابعة فوقها قبة و السماء السابعة فوقها قبة و هو قول الله ﴿الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقاً وَ مِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ﴾...»

تَلَاهَا \* وَالتَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا \* وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا \* وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا \* وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا \* وَنَفْسٍ وَمَا

سَوَّاهَا<sup>۱</sup>، «طَحُو الْأَرْضَ» همان «دحو الأرض» است و فقط يك بار کلمه «طَحُو» در قرآن استعمال شده است.

اگر در سوره «نازعات» فرمود: ﴿وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا﴾ معلوم می‌شود که «تسویه» زمین، هفت طبقه زمین و تنظیم همه کارهای زمین، بعد از کارهای آسمان صورت پذیرفت؛ اگر کار زمین تمام شده بود دیگر به زمین و ماده آسمان‌ها خطاب نمی‌کرد که ﴿اَتْتِيَا﴾ بیایید من کارت‌ان دارم، این را ذات اقدس الهی تنظیم می‌کند.

### استثنای آسمان مسدود به روی کفار از دعوت کلی به شناخت آن

بعد می‌فرماید يك سلسله اموری است که ما نه از شما می‌خواهیم بفهمید، نه کار حوزه و دانشگاه است اینها را بفهمند، این يك راه دیگری دارد! ما يك آسمان‌های دیگری داریم که درب آن آسمان فقط به روی مؤمنین باز است، درب آن آسمان به روی کفار باز نیست؛ فرمود: ﴿لَا تُفْتَحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ﴾<sup>۲</sup>؛ آن آسمانی که درب آن به روی کفار کفّار باز نیست این آسمان طبق هیئت و نجوم نیست. الآن شما می‌بینید دانشمندان در آنجا ترمینال دارند و رفت و آمد دارند، با مسافر و بی‌مسافر آنجا وسیله می‌برند، پس اینکه فرمود ما درب آسمان را به روی کفار باز نمی‌کنیم، این آسمان طبق نجوم و هیئت و امثال آن نیست، آن را نه از ما خواستند که با علم حوزه و دانشگاه بفهمیم و نه مقدور ماست که بفهمیم. از وجود مبارك امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) کسی که از شام آمده بود سؤال کرد: «كَمْ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ؟» بین آسمان و زمین چقدر فاصله است؟ وجود مبارك حضرت امیر به امام مجتبی (سلام الله علیه) اشاره کرد که شما جواب بدهید، امام مجتبی (سلام الله علیه) که کودکی بود و در آن مجلس حضور داشت، فرمود: «دَعْوَةُ الْمَظْلُومِ وَمَدُّ الْبَصَرِ»<sup>۳</sup>. اینکه سؤال کرد فاصله بین آسمان و زمین چقدر است، اگر منظور آسمان نجوم و هیئت

۱. سوره شمس، آیات ۱ - ۷.

۲. سوره اعراف، آیه ۴۰.

۳. تحف العقول، ص ۲۲۸ و ۲۲۹.

هیئت است تا آن جا که چشم تو می بیند فاصله است و اگر منظور آسمان غیب است، آه مظلوم است! این از غرر روایات ماست! وقتی سؤال کرد که «كَمْ بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ»، این را وجود مبارك امام مجتبی در دوران کودکی فرمود که «دَعْوَةُ الْمَظْلُومِ وَ مَدُّ الْبَصَرِ»؛ یعنی آن آسمانی که خدا فرمود: ﴿لَا تُفْتَحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ﴾؛ فاصله بین زمین و آن آسمان، آه مظلوم است؛ اگر این آسمانی که هیئت و نجوم از آن خبر می دهد «مَدُّ الْبَصَرِ» است، الآن همه ما به جهت یمن، فلسطین و امثال آن مظلوم هستیم! اصلاً يك چیز عجیب انسان می شنود که يك کشور به ظاهر اسلامی و متولی حرمین از هوا و دریا و صحرا به يك کشور مسلمان که اکثری اینها پیرو اهل بیت هستند حمله کند! این آه باید اثر کند! مخصوصاً آه شما علما و فضلا و متدینین! ما از ذات اقدس الهی مسئلت می کنیم که به حق همه انبیاء، اولیا، صحف آسمانی و قرآن و عترت مخصوصاً بی بی (سلام الله علیها) که گذشته به شهادت او مرتبط است و آینده به میلاد این بی بی (سلام الله علیها)، خدا را به اینها قسم می دهیم این مینی های مظلوم را از خطر بیگانه ها نجات مرحمت کند!

فرمود بین آسمان و زمین اگر منظور آسمان ظاهر است، راه نجومی دارد و اگر آسمان غیب است که ﴿لَا تُفْتَحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ﴾ و آه مظلوم است که این آه به آن جا می رسد «دَعْوَةُ الْمَظْلُومِ وَ مَدُّ الْبَصَرِ» که آن را با علم نمی شود تشخیص داد، آن راه علمی ندارد و راه تجربه نیست، آن يك راه دیگری دارد.

### دعوت قرآن به امور جزئی در خلقت و نظم در آن

این صورت مسئله است که ذات اقدس الهی ارائه کرد، بعد آن را جزئی کرده و فرمود: ﴿أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ \* وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ \* وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ \* وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ﴾<sup>۱</sup> اینها فروع و امور ریزشده این صورت مسئله است؛ اما این صورت مسئله و این بسته را فرمود حل کنید، مگر

۱. سوره غاشیه، آیات ۱۷ - ۲۰.



نمی‌بینید! مگر فکر نمی‌کنید! پس اینها راه علمی دارد که اگر اینها مطرح شود که آن آب چیست؟ آن «عَرش» چیست؟ آن گاز چیست؟ آن «دُخان» چیست؟ آن آسمان اول که همه ستاره‌های ثابت و سیّار در آن‌جا هستند آن چیست؟

### چگونگی جمع بین خلقت آسمان و زمین در چهار روز

می‌ماند این دو روز که در بیان این دو روز خیلی‌ها تلاش و کوشش کردند. به حسب ظاهر در قرآن کریم چند طایفه است که بخشی از طوایف در بحث دیروز نقل شد؛ يك طایفه از آن طوایف فراوان این است که کلّ این مجموعه را ذات اقدس الهی فرمود ما در يك روز این آسمان و زمین را خلق کردیم: ﴿يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ﴾<sup>۱</sup>؛ روزی که خدا آسمان و زمین را خلق کرد که این روز دیگر در مقابل شب یا چیزهای دیگر نیست، بعد این را باز کرد و فرمود: ﴿خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ﴾<sup>۲</sup>، در بخش سوم بازتر کرد و فرمود: ﴿خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ﴾<sup>۳</sup>، بعد در بخش دیگر بازتر کرد و فرمود: ﴿خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ﴾<sup>۴</sup>، ﴿فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ﴾؛ اینها را که باز کرد، هر کدام از آن روزها شاید میلیاردها سال باشد، می‌ماند دو روز دیگر؛ این شش روز، دو روز آن که برای زمین بود، دو روز آن برای آسمان، ما يك چهار روزی داریم که گفته شد و مخلوقی داریم که زمان او گفته نشد؛ آن چهار روزی که گفته شد، ظاهراً همین است که سیدنا الاستاد (رضوان الله علیه) فرمود که فرمود: ﴿وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِلْسَّائِلِينَ﴾ این می‌تواند به قرینه «قوت» و به قرینه «سائل» ناظر به فصول چهارگانه باشد.<sup>۴</sup> کسانی که در صدد اقتصاد هستند، تأمین می‌کنند

۱. سوره توبه، آیه ۳۶.

۲. سوره اعراف، آیه ۵۴.

۳. سوره فرقان، آیه ۵۹؛ سوره سجده، آیه ۴.

۴. تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۳۶۴؛ «ظاهرة في غير ما ذكره و القرائن الحافة بها تؤيد كون المراد بها تقدير أقواتها في الفصول الأربعة التي يكونها ميل الشمس الشمالي و الجنوبي بحسب ظاهر الحس فالأيام الأربعة هي الفصول الأربعة».

و از خدای سبحان «قُوْتُ» طلب می‌کنند، «قُوْتُ» اینها را در فصول چهارگانه مشخص کرد که هر کسی برود و کار کند بهره می‌گیرد؛ منتها دیگران حالا که به اینها کار نمی‌دهند، جلوی کار اینها را نگیرند! ﴿سَوَاءٌ لِّلسَّائِلِينَ﴾ حرفی که جناب زمخشری زد و خیلی‌ها بعد از او پذیرفتند که این ﴿قَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا﴾ را به این صورت برگرداند که یعنی دو روز برای زمین، دو روز هم برای برقرار کردن کوه‌ها و چشمه‌ها و تنظیم فصول که جمعاً می‌شود چهار روز؛<sup>۱</sup> مثل اینکه مسافری بگوید من از شهرم تا بصره دو روز رفتم و تا کربلا چهار روز رفتم؛ یعنی دو روز اول برای شهرم تا بصره بود، دو روز دوم از بصره تا کربلا بود که مجموعاً می‌شود چهار روز.

### ناتمامی دیدگاه چهار روز دانستن خلقت زمین و تأمین ارزاق

حرف زمخشری این است که دو روز برای زمین بود، دو روز هم برای ﴿قَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءٌ لِّلسَّائِلِينَ﴾ بود، جمعاً شده چهار روز که این خیلی مطابق با فصاحت و ادبیات قرآن کریم نیست و بر فرض هم باشد، آن وقت این سؤال باقی می‌ماند که در طایفه‌ای که قرآن کریم فرمود: ﴿خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ﴾، این ﴿بَيْنَهُمَا﴾ چند روز طول کشید؟ این در قرآن مجهول می‌ماند و این را دیگر نگفت! غافل از اینکه ﴿بَيْنَهُمَا﴾ هوا و فضا هست که در بحث دیروز اشاره شد، در همین «جوشن کبیر» به ذات اقدس الهی عرض می‌کنیم «يَا مَنْ لَهُ الْهَوَاءُ وَالْفَضَاءُ»<sup>۲</sup>، این هوا چیست؟ این فضا چیست؟ این جو چیست؟ از مدار زمین گذشتیم حکمی دارد و داخل مدار زمین هستیم حکم دیگری دارد، اینها مخلوقات الهی هستند! اینها را چه موقع خلق کرد؟ در چه روزی خلق کرد؟ اگر مجموع نظام سپهری مطرح است، آن دو روز برای «بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ» است؛ اما تنظیم فصول چهارگانه جزء آن روزها نیست، این فصول چهارگانه روز سال و ماه دارد، این سال و ماه و فصول

۱. الکشاف عن حقائق غوامض التنزيل، ج ۴، ص ۱۸۸؛ «إِذَا قَالَ فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ وَقَدْ ذَكَرَ أَنَّ الْأَرْضَ خُلِقَتْ فِي يَوْمَيْنِ، عِلْمٌ أَنَّ مَا فِيهَا خُلِقَ فِي يَوْمَيْنِ، فَبَقِيَتِ الْمَخَايِرَةُ بَيْنَ أَنْ تَقُولَ فِي يَوْمَيْنِ وَأَنْ تَقُولَ فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءٌ فَكَانَتْ فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءٌ فَائِدَةٌ لَيْسَتْ فِي يَوْمَيْنِ، وَهِيَ الدَّلَالَةُ عَلَى أَنَّهَا كَانَتْ أَيَّامًا كَامِلَةً بَغَيْرِ زِيَادَةٍ وَلَا تَقْصَانٍ».

۲. البلد الأمين و الدرر الحصين، ص ۴۰۷.

چهارگانه چه کار به آن روز میلیاردي دارد؟! آن روز میلیاردي را بايد با روزهای میلیاردي سنجيد. اين «سماوات و ارض» که در شش روز است؛ يعني شش تطوّر میلیاردي، دو روز آن برای زمین است، دو روز آن برای آسمان است و دو روز آن برای هوا و فضا و جاذبه و امثال آن است؛ اما اين ﴿قَدَرَ فِيهَا اَقْوَاتَهَا فِي اَرْبَعَةِ اَيَّامٍ﴾، آیا اين روزهایی که بخواند فصول چهارگانه را تنظيم کند با آن روزها اصلاً ارتباط ندارد تا شما بگويد جمع اين دو روز و آن دو روز می شود چهار روز.

### تبیین نظم طوایف آیات دال بر خلقت زمین و آسمان

بنابراین اين طوایف چندگانه نظم خودشان را پيدا می کنند؛ يك طایفه اين است که از مجموع خبر می دهد و می فرماید: ﴿يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ﴾<sup>۱</sup> که اين يك جمع نگرى است؛ طایفه ديگر فرمود آسمان و زمین را در شش روز خلق کرد؛ طایفه سوم دارد آسمان و زمین ﴿وَمَا بَيْنَهُمَا﴾ را در شش روز خلق کرد؛ طایفه ديگر می فرماید زمین دو روز، آسمان دو روز و از آن ﴿بَيْنَهُمَا﴾ سخن به میان نیامده که قهراً آن دو روز می شود ﴿وَمَا بَيْنَهُمَا﴾، آن وقت اين ﴿قَدَرَ فِيهَا اَقْوَاتَهَا فِي اَرْبَعَةِ اَيَّامٍ﴾ می شود برای فصول چهارگانه و جزء آن ايام به حساب نمی آيد.

### فحص در خلقت آسمان و زمین جزء مطالبات قرآن

اما اينها جزء مطالبات قرآن کریم است، می گوید چرا درباره اينها «فحص» نمی کنید؟! مگر نمی بينيد؟! وقتی که بينيد، خالق، مدير و مدبر آن را می فهميد؛ ﴿أَوَلَمْ يَرَوْا﴾<sup>۲</sup> ﴿أَوَلَمْ يَنْظُرُوا﴾<sup>۳</sup> ﴿أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا﴾<sup>۴</sup>؛ يعني اينها را فکر کنید که اين می شود علوم قرآنی، اين می شود علوم دانشگاهی، اين می شود علوم تجربی، اين می شود هيئت و

۱. سوره توبه، آيه ۳۶.

۲. سوره رعد، آيه ۴۱.

۳. سوره اعراف، آيه ۱۸۵.

۴. سوره اعراف، آيه ۱۸۴؛ سوره روم، آيه ۸.

نجوم دینی که آن آب چیست؟ آن «عرش» چیست؟ البته بخشی از اینها از حوزه علوم تجربی بیرون است؛ در هر حال اینها جزء مطالبات قرآن کریم است.

فرمود: ﴿إِنَّكُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ﴾ و در سوره مبارکه «انبیاء» هم ملاحظه فرمودید که آنجا تعبیر به رؤیت است مگر نمی بینید؟! آیه سی سوره مبارکه «انبیاء» این است: ﴿أَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا﴾؛ این مجموعه بسته بود ما آن را باز کردیم، چرا نمی بینید؟! چرا رأی نمی دهید؟! چرا فکر نمی کنید؟! ﴿كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا فَلَا يُؤْمِنُونَ﴾، بعد کوه‌ها را در زمین مستقر کردیم و مانند آن؛ اینها جزء مطالبات قرآنی است، بعد وقتی ریز می‌کند می‌شود ﴿فَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْآبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ \* وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ \* وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ \* وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ﴾ و مانند آن. و اینکه فرمود در «سماوات» ستاره‌ها هستند، این هیئت قبلی يك پیش فرض‌ها و اصول موضوعیه‌ای داشت که همان‌طور دست نخورده به فلسفه، فقه، تفسیر و حدیث آمده است. شما وقتی بحار مرحوم مجلسی را نگاه می‌کنید، مخصوصاً «سما و عالم»<sup>۱</sup> را می‌بینید این عین فرمایشات علمای بطلمیوسی<sup>۲</sup> را دارد نقل می‌کند و در تفسیر که می‌بینید مرحوم امین‌الاسلام و دیگران برابر هیئت بطلمیوسی دارند معنا می‌کنند؛ در فقه بیا بید، اگر محل ابتلا باشد این چنین است؛ به حدیث و قسمت‌های دیگر و در فلسفه هم همین‌طور است، در کلام هم همین‌طور است.

خدا مرحوم مجلسی را غریق رحمت کند! چه در بحار، چه در مرآة العقول می‌فرمایند فلکی در کار نیست، هشتم و نهمی در کار نیست، اینها «عرش» و «کرسی» را به همان فلك هشتم و نهم معنا می‌کنند؛ الآن هم که ما می‌خواهیم معنا کنیم، برابر پیش فرض‌ها و پیشرفت‌های علمی معنا می‌کنیم، چون غیر از این چاره نداریم! غرض

۱. بحار الانوار، ج ۵۴، ص ۱؛ «كتاب السماء و العالم».

۲. کلاودیوس بطلمیوس (۹۰ - ۱۶۸ میلادی)، یکی از فیلسوفان و اخترشناسان یونان باستان بود که به احتمال زیاد در اسکندریه مصر می‌زیست.

این است که نمی‌شود گفت حالا اینها مقصّر هستند. هر کسی در رشته خودش تلاش و کوشش می‌کند و حرف‌های مربوط به دیگر رشته‌ها را به عنوان پیش‌فرض علوم موضوعه می‌گیرد که صحت و سقم آن به عهده آنهاست، البته قبلاً هم به عرض شما رسید که اقدمین یعنی قبل از بطلمیوس و اینها بحث «سماوات» و «أرض» را، بحث هیئت و نجوم را در شعب فرعی ریاضی نقل می‌کردند، از بطلمیوس به بعد در بخش طبیعی نقل می‌کنند که خیال می‌کردند جرم و جسم و امثال آن است. اقدمین مدارات رسم می‌کردند، قدما این را فلك درآوردند و جرم و جسم کردند و خیال کردند که فلك است، بعد مسئله «خرق و التیام»<sup>۱</sup> مطرح شد، بعد مسئله مشکلات «معراج» مطرح شد در حالی که هیچ‌کدام از اینها مشکلی ایجاد نمی‌کند. غرض این است که اگر يك علم دقیقی روی اینها کار می‌کرد و باید هم کار کند مشکلات کامل برطرف می‌شود؛ هم مشکلات «معراج» حل می‌شود، هم روابط دیگر حل می‌شود یا چیزی به عنوان مشکل سر راه نیست.

### مقصود از زینت شدن آسمان به کواکب و تقیید آن به دنیا

فرمود ما ﴿زَيْنَا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ﴾ یا ﴿زِينَةِ الْكَوَاكِبِ﴾<sup>۲</sup> که در سوره «صافات» گذشت؛ فرمود همه این ستاره‌ها در آسمان اول است، آسمان چه خبر است فعلاً وضع آن روشن نیست؛ اما دیگران می‌گفتند «قمر» است و «عطارد» و «زهره» و «شمس» و «مریخ» و «مشتری» و «زحل» که به همین نظم می‌گفتند این آسمان‌های هفت‌گانه، این ستاره‌های هفت‌گانه را دارند که سیار هستند و ستاره‌های ثابت در فلك هشتم هستند و فلك نهم که از آن به فلك اطلس و «فلك الأفلاك» یاد می‌کردند بی‌ستاره می‌باشند و همان‌طوری که اطلس نقطه ندارد، فلك نهم هم بی‌ستاره است و مدیر و محیط به همه افلاك است که این حرف پیشینیان بود؛ ولی قرآن کریم که ﴿هُوَ الْحَقُّ﴾<sup>۳</sup>

۱. رک: شرح حکمة الاشراف، ص ۴۴۲؛ «كل ذلك يمتنع على الاجرام الفلكية لامتناع الخرق والالتهام والحركة المستقيمة عليها...»

۲. سوره صافات، آیه ۶.

۳. سوره بقره، آیه ۹۱.

است، می‌گوید تمام این ستاره‌ها چه ثابت چه سیّار در فلك اول است ﴿إِنَّا زَيْنًا السَّمَاءِ الدُّنْيَا﴾ آسمانی که به شما نزدیک است ﴿بَزِينَةِ الْكَوَاكِبِ﴾<sup>۱</sup> و این را فرمود شما اگر اظهار نظر کنید کاملاً حل می‌شود.

### علت ناتمامی دیدگاه تمثیل دانستن اطاعت‌پذیری زمین

اما این مسئله که فرمود: ﴿اٰتِيَا﴾؛ بیایید که اینها می‌آیند، آیا این تمثیل است که مرحوم آقا سیّد عبدالحسین شرف‌الدین (رضوان الله علیه) در آن کتاب و رساله خودشان گفتند که گویا خدا به اینها گفته است یا گویا اینها در جواب گفتند؟ نه! ظاهرش این است که واقعیت دارد، حقیقت دارد، اینها حرف می‌زنند، حرف می‌فهمند؛ اما ما باخبر نیستیم، برای اینکه اینها شهادت می‌دهند! در «یوم القيامة» این زمین شهادت می‌دهد، این مسجد شهادت می‌دهد و این مسجد شکایت می‌کند که فلان همسایه می‌آمد یا فلان همسایه نمی‌آمد، اینها چیزی می‌فهمند! بیدارند! باخبرند! این طور نیست که حالا ما اگر زبان زمین را متوجه نیستیم زمین حرف نزند. وقتی که افراد به اعضا و جوارح خود می‌گویند چرا علیه ما سخن گفتید؟ در آیه ۲۱ سوره مبارکه «فصلت» که محلّ بحث است فرمود: ﴿وَقَالُوا لِجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ﴾، هر چیزی را خدا به حرف در می‌آورد، ممکن نیست چیزی مخلوق خدا باشد و نفهمد. آیات تسبیح مجاز نیست، آیات اسلام مجاز نیست، آیات سجده مجاز نیست، آیات تحمید مجاز نیست، آیات انقیاد و اطاعت مجاز نیست؛ این چند طایفه از آیات می‌فرمایند که زمین حرف می‌زند، آسمان حرف می‌زند؛ زمین حمد می‌کند، آسمان حمد می‌کند؛ زمین تسبیح می‌کند، آسمان تسبیح می‌کند؛ زمین منقاد است، آسمان منقاد است؛ این طایفه «أَسْلَمَ» طایفه «سَبَّحَ»، گاهی با فعل ماضی، گاهی با فعل مضارع، گاهی با فعل امر، گاهی با مصدر از همه اینها خبر داد؛ گاهی ﴿سَبَّحَ﴾،<sup>۲</sup> گاهی ﴿يُسَبِّحُ﴾،<sup>۳</sup> گاهی ﴿سَبَّحَ اسْمَ رَبِّكَ

۱. سوره صافات، آیه ۶.

۲. سوره آل عمران، آیه ۴۱.

۳. سوره رعد، آیه ۱۳.

الْأَعْلَى) و گاهی به وسیله ﴿سُبْحَانَ الَّذِي﴾<sup>۲</sup> از تسبیح موجودات به عنوان ﴿إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ﴾<sup>۳</sup> خبر داد، حالا ما زبان آنها را متوجه نمی‌شویم مطلب دیگری است و دلیل بر این نیست که ما حالا این را حمل بر مجاز یا حمل بر تمثیل کنیم، اینها واقعاً چیز می‌فهمند و واقعاً هم سخن می‌گویند؛ منتها ذات اقدس الهی زبان آنها را می‌فهمد ﴿وَإِنْ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ﴾<sup>۴</sup>، همه اینها را بگوییم مجاز است؟!

### بیان نمونه‌هایی از اطاعت‌پذیری تکوینی بعضی از جمادات

فرمود بعضی از سنگ‌ها از ترس خدا جابه‌جا می‌شوند، همه اینها مجاز است؟! زبان تکوینی است، زبانی است که حرف می‌زند و دیگران هم می‌فهمند، این‌جا می‌فرماید برخی از سنگ‌ها از خشیت خدا می‌ترسند و حرکت می‌کنند!

پرسش: آیا تشریع دیگری هم برای سایر موجودات غیر از انسان‌ها هست؟

پاسخ: نه! تشریع نیست، بلکه زبان تکوین است؛ فرشته‌ها حرف می‌زنند و تکوین دارند، تشریع ندارند. گفت:

بنواخت نور مصطفی آن اُستن حنانه را \*\*\* کمتر ز چوبی نیستی حنانه شو حنانه شو<sup>۵</sup>

این داستان «اُستن حنانه» را که هم شیعه نقل کرده و هم سنی نقل کرده است. وجود مبارک پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به این ستون تکیه می‌داد و در مسجدالنبی سخنرانی می‌کرد، بعد به حضرت عرض کردند ایستاده سخنرانی کنی خسته می‌شوید، منبری برای ایشان درست کردند و حضرت همین که از ستون به طرف منبر آمد تا

۱. سوره اعلی، آیه ۱.

۲. سوره زخرف، آیه ۱۳.

۳. سوره اسراء، آیه ۴۴.

۴. سوره بقره، آیه ۷۴.

۵. دیوان شمس، غزل ۲۱۳۱.

روی منبر بنشینند، ضجه‌ای از این ستون درآمد که همه شنیدند! حضرت رفت و این ستون را بغل کرد و او آرام شد! این را همه آنها که در مسجد بودند نقل کردند.

بنواخت نور مصطفی آن اُستن حنانه را \*\*\* کمتر ز چوبی نیستی حنانه شو حنانه شو

این را همه نقل کردند و الآن هم که شما می‌بینید می‌گویند ستون حنانه همین است! «حَنِین» یعنی ناله، حالا حضرت این را بغل کرد و آرام شد، این هست و این چنین نیست که اینها مجاز باشد یا - معاذ الله - تمثیل بر خلاف و امثال آن باشد.

پرسش: از تعبیر ﴿طَوْعاً أَوْ كَرْهاً﴾ استفاده نمی‌شود که تشریعی در کار است؟

پاسخ: نه، تشریع در کار نیست. برای اینکه در نظام هستی در فرشته‌ها هیچ تزاممی نیست. فرمود آن‌جا که به سود شماست باید بگویید چشم! آن‌جا که به ضرر شماست باید بگویید چشم! ما مصلحت می‌بینیم که باران بیاید و تگرگ هم بیاید، در چهار مکان میوه‌های آنها آسیب می‌بیند، باید بگویید چشم! چون شما نمی‌دانید مصلحت چیست، چهار شاخه درخت هم می‌شکند، باید بگویید چشم! آن‌جا که میل شماست باید بگویید چشم! آن‌جا که میل شما نیست باید بگویید چشم! چون

مَوْتاً طَبِيعِيّاً غَدَا اخْتِرَامِي \*\*\* قَيْسَ إِلَى كُلِّيةِ النِّظَامِ

مَا لَيْسَ مَوْزُوناً لِبَعْضٍ مِنْ نَعْمٍ \*\*\* فَفِي نِظَامِ الْكُلِّ كُلُّ مُنْتَظَمٍ<sup>۱</sup>

ما يك چیز نابهنگام نداریم! البته در عالم حرکت تصادف و برخورد هست؛ يك باد که مأموریت دارد جایی را آباد کند، در راه چهارتا خوشه و شاخه را هم می‌شکند، این باید بگوید چشم و این هم می‌گوید چشم! این‌طور نیست که حالا بگوید چرا خوشه من شکست، عالم حرکت این‌طور است، آن بهشت است که ﴿لَا لَعْنُ فِيهَا وَلَا

۱. شرح المنظومة، ج ۲، ص ۴۲۲.



تَأْتِيْمُ<sup>۱</sup> در فرشته‌هاست که تصادفی در کار نیست. «کَرِه» آن فشار بیرون است، ما «کَرِه» نداریم و از درون ما «کَرِهی» نیست؛ «کَرِهاً» نه «کَرِهاً»! مادر با «کَرِه» فرزند می‌پروراند؛ یعنی با دردِ درون! ﴿حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَ وَضَعَتْهُ كُرْهًا﴾<sup>۲</sup> امّا «کَرِه» عامل بیرون است. این خوشه شکسته و این میوه ریخته «کَرِه» ندارد، بلکه از درون می‌گوید چشم! ولی فشاری که از بیرون بر او تحمیل می‌شود این میوه‌ها را می‌ریزند، پس تحمیل می‌کند! می‌گوییم باد وقتی می‌آید مواظب باشد که به این خوشه نخورد، اینکه باد نشد، باید معصوم باشد! این تگرگ که می‌آید و هزارها برکت به همراه دارد، بگوییم که این میوه و شکوفه را نریزد، اینکه نمی‌شود! در این صورت باید همه موجودات معصوم باشند، اینکه با عالم طبیعت سازگار نیست؛ این «کَرِه» و تصادف در بیرون هست؛ ولی در درون هیچ موجودی «کَرِه» نیست. «کَرِه» آن رنج درونی است که هیچ موجودی ندارد و «کَرِه» آن موجود بیرونی است که در عالم حرکت چاره‌ای جز آن نیست. فرمود اینها همه چیز می‌فهمند و همه در راه ذات اقدس الهی مطیع هستند. نتیجه اینکه دو روز برای زمین است، دو روز برای آسمان و دو روز هم برای «مَا بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ» است.

«و الحمد لله ربّ العالمین»

۱. سوره طور، آیه ۲۳.

۲. سوره احقاف، آیه ۱۵.